

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

**معنا و مفهوم مبانی، اصول و روشهای تربیتی:**

در علوم تربیتی که از جمله علوم کاربردی محسوب میشود و هدف آن ایجاد تغییرات مطلوب در متربیان است، یافته های علمی سایر علوم نظری و تجربی از قبیل روانشناسی و جامعه شناسی جهت ایجاد تغییرات مطلوب مورد استفاده قرار میگیرند. یافته های علمی علوم نظری مانند روانشناسی قوانین و قاعده مندیهای هستند که با توجه به ویژگی های انسان استخراج و تنظیم شده اند. مثلا یک قاعده عام و کلی در مورد انسان اینست که شرایط محیطی بر انسان تاثیر گذار است و همینطور برعکس، انسان می تواند بر محیط تاثیر بگذارد. این یک قاعده عام و کلیست که در مورد عامه (همه) انسانها مصداق دارد. به این قواعد و قوانین کلی که اولاً در مورد عموم انسان ها صادق اند، و ثانياً بیانگر ویژگی و خصوصیات عموم انسانها هستند مبانی (تعلیم و تربیت) گفته میشوند. مبانی تعلیم و تربیت، مجموعه ی قانونمندیهای شناخته شده در علوم نظری مانند روانشناسی و جامعه شناسیست که تعلیم و تربیت بر آن ها تکیه دارد.

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

- اصطلاح دیگری که بعد از مبانی باید توضیح داده شود، مفهوم اصل یا اصول است. **اصول دستورالعمل های و قواعد کلی هستند که از مبانی تعلیم و تربیت استخراج میشوند.** بعنوان مثال یک قاعده و قانون کلی در مورد انسان اینست که از شرایط محیطی خود تاثیر می پذیرد ( ویژگی عمومی انسانها)، از این مبنا یک اصل تربیتی و یا دستورالعمل کلی تحت عنوان اصلاح شرایط (جهت تعلیم و تربیت انسان) میتوان استخراج کرد. حال باید پرسید چگونه و با چه روشهایی میتوان شرایط را اصلاح کرد؟ اینجاست که مفهوم بعدی یعنی **روشهای تربیتی** را میتوان معنا و تعریف کرد. بر اساس اصل اصلاح شرایط سه روش تربیتی پیشنهاد و استخراج میشود: روش زمینه سازی- روش تغییر موقعیت- روش اسوه سازی. بنابراین **روشهای تربیتی دستورالعملهای جزئی تر هستند که از یک اصل تربیتی استخراج میشوند.** اصول و روش ها از یک سنخ هستند، زیرا هر دو دستورالعمل اند و به ما می گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر، چه باید بکنیم، اما تفاوت آنها در اینست که اصول دستورالعملهای کلی، ولی روشها دستورالعملهای جزئی تر هستند. به این ترتیب اصول از مبانی و روشها از اصول استخراج میشوند.
- **مبنای تربیتی (تاثیر شرایط بر انسان) ← اصل تربیتی (اصل اصلاح شرایط) ← روشهای تربیتی ( روش زمینه سازی- روش تغییر موقعیت- روش اسوه سازی).**

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## • مبنای اول : تاثیر ظاهر بر باطن

ظاهر همه امور مشهودی است که از انسان سر میزند و مظهر آنها بدن است. مراد از باطن ، شئونی است که قابل مشاهده نیست از قبیل فکر و نیت. باطن آدمی دارای لایه ی روئین و لایه ی زیرین است. حضرت علی می فرمایند:

اگر بردبار نیستی پس خود را بردبار نشان بده، چه، اندک پیش می آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنان نشود: ان لم تکن حلیمًا فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا اوشک ان یکون منهم.

## مبنای اول: تاثیر ظاهر بر باطن

خداوند می فرماید باید مرا به زبان و لفظ بخوانید: واذکر اسم ربك. دلیل این امر آنست که ظاهر بر باطن تاثیر میگذارد. تاثیر ظاهر بر باطن در مورد ظواهر ناپسند نیز مصداق دارد از اینرو لقمان به فرزندش توصیه کرد که بهنگام راه رفتن با تفرعن ( غرور فرعونى) بر زمین گام مزن : لا تمش فى الارض مرحا ( اسرا 37). اصل تربیتی که از مبنای اول اتخاذ میشود اصل تغییر ظاهر است:

اصل 1 : تغییر ظاهر

# اصل اول: تغییر ظاهر

بر اساس این اصل یکی از اصول و قواعد عامه ای که باید در تربیت انسان بکار بست، ظاهر سازیست. ظاهر سازی هنگامی مذموم و بد است که مایه خود نمایی و متوجه به مردم باشد. در غیر اینصورت، ظاهر سازی، متوجه به درون و مایه تحول باطن خواهد بود.

طبق این اصل هر گاه بخواهیم تغییر و تحولی در باطن کسی پدید آوریم باید ظاهر او را دستکاری کنیم. در سخنی از امام صادق در باره پیامبر (ص) آمده است: رسول خدا شیوه اش این بود که همچون بندگان (برده ها) غذا میخورد و به شیوه بندگان می نشست. این به سبب فروتنی نسبت به خداوند تبارک و تعالی بود: کان رسول الله یاکل اكله العبد و یجلس جلسه العبد... تواضعا لله تبارک و تعالی. اصل تغییر ظاهر یک قاعده کلی در تربیت است که روشهای تربیتی **تلقین** به نفس و روش **تحمیل** به نفس از آن استخراج میشود:

# روش تلقین به نفس

## 1- روش تلقین به نفس

تلقین به نفس یعنی از طریق به زبان آوردن قول و کلام معینی، تغییری به مقتضای آن در ضمیر و باطن بوجود آید. تلقین به دو شکل قولی (زبانی-کلامی) و فعلی (انجام عمل) صورت میگیرد. تلقین فعلی یعنی با آشکار ساختن عملی در اعضاء و جوارح تغییری به مقتضای آن در باطن و درون ایجاد کرد. هر دو نوع تلقین را از دو جهت سلب (عدم انجام و بروز) و ایجاب (انجام دادن) میتوان در نظر گرفت. که به چند نمونه آن میتوان اشاره کرد: امام صادق می فرمایند: و لا تخاصموا الناس لدينكم فان المخاصمه ممرضه للقلب: برای دفاع از دینتان با مردم نزاع و مشاجره لفظی نکنید، زیرا این کار دل را بیمار می کند. بنگر که هرگز حرف زوری از دهانت خارج نشود، گرچه از قدرت خودت و قدرت خویشاوندانت مطمئن باشی. در چنین مواردی توصیه میشود سکوت اختیار شود: ان الصمت باب من ابواب الحكمة: سکوت دری از درهای حکمت است. (جنبه سلبی یا پرهیز و دوری کردن تلقین قولی)

# روش تلقین به نفس

ذکر خدا به لفظ و زبان ( یک عمل ظاهری و از نوع تلقین کلامی) در قرآن توصیه و تصریح شده است: واذکر اسم ربک. خدا را به اسم او بخوان. ( تلقین زبانی ایجابی). و لله الاسماء الحسنی فادع بها (اعراف 180). خدا اسامی زیادی دارد و به لحاظ تاثیری که به زبان آوردن آن اسامی زبان بر باطن دارد، مورد توصیه قرار گرفته است.

و لا تمش فی الارض مرحا: لقمان به فرزند خود می فرماید هرگز با غرور و تکبر بر روی زمین قدم برمذار. و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا: بندگان رحمان خداوند کسانی هستند که هنگام راه رفتن بر زمین تواضع دارند. با تواضع و فروتنی بر روی زمین راه میروند (سوره فرقان آیه 63). هامنطور که ملاحظه میشود این آیات نمونه هایی از تلقین فعلی از دو نوع سلبی و ایجابی تلقین فعلی ( عدم انجام و انجام عمل در دو آیه فوق است).

هر گاه دو گونه تلقین قولی و فعلی در هم آمیزد تاثیری مضاعف و چندگانه به بار می آورند. نماز برجسته ترین تلفیق قولی و فعلی است. همچنین در حج این آمیزه قول و فعل دیده میشود.

# روش تحمیل به نفس

## 2- روش تحمیل به نفس:

تفاوت این روش با تلقین به نفس این است که در تلقین، باطن انسان بی رغبت و گریزنده نیست، اما در روش تحمیل به نفس باطن انسان بی رغبت است. در تحمیل کراهت وجود دارد. طبق این روش باطن رمیده و بی رغبت را میتوان با حرکات اندام به بند کشید و آن را رام راغب کرداند.

عملی که مورد رضای دل نیست وقتی نفس به آن تن داد سرانجام شرح صدری در انسان بوجود می آورد که ثقل و سنگینی آن از بین می رود: الم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک الذی انقض ظهرک... (انشرح 1-3). فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب.

تحمیل به نفس محدود به دو حد است: اول آنکه این روش در حیطة ی “عمل” بکار می آید نه در قلمرو “ایمان”. لا اکراه فی الدین: در ایمان آوردن نمی توان از روش تحمیل استفاده کرد. دوم اینکه تحمیل نباید چنان زیاد و سنگین باشد که باعث شود دل از آن اعراض کند و بار آن را بر دوش نگیرد: لا تکرهوا الی انفسکم العباده: طاعت را بر خود تحمیل نکنید.



# روش تحمیل به نفس

جهاد و روزه دو نمونه برجسته از موارد بکارگیری این روش است. نمونه های دیگر از تحمیل به نفس:

عاشرو هن بالمعروف .....فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا.

هرگاه از چیزی یا کاری خوف داشتی ، خود را به انجام آن وادار کن تا ترس تو از بین برود.

تحلم ( حلم و بردباری را به خود تحمیل کردن) نوعی تحمیل به نفس است.

طبق روش تحمیل به نفس باید برای ایجاد تحولات باطنی، اعمال و حرکات ظاهری را علیرغم کراهت باطن بر خود تحمیل کرد و آن را ادامه داد.

# مبنای دوم: تاثیر باطن بر ظاهر

**مبنای دوم: تاثیر باطن بر ظاهر**

اگر تغییری در باطن آدمی رخ دهد، تاثیر آن بر ظاهر نمودار خواهد شد. و اذا سمعوا ما نزل الی الرسول تری اعینهم ..... و چون آیاتی را که به رسول فرستاده شده می شنوند، اشک از دیده هایشان جاری میشود.

در سوره انعام آیه 43 می فرماید: ..... پس چرا وقتی بلای ما به آنها رسید توبه و تضرع نکردند، در صورتیکه دل هایشان را قساوت فرا گرفته بود. فلو لا اذا جاء باسنا تضرعوا و لکن قست قلوبهم.

اصلی که از این مبنا گرفته میشود **اصل تحول باطن** است.

بر اساس تاثیر باطن بر ظاهر یک از اصول تربیت باید ناظر به ایجاد تحول باطنی باشد. اصل تحول باطن بیانگر آنست که در تربیت باید به فکر **تحول درونی** بود. نه تغییر ظاهر و نه تحول باطن، هیچ یک به تنهایی کافی نیست. این دو با هم کارسازند، پس باید هر دو را از آلودگی شست: **و ذروا ظاهر الاثم و باطنه: گناه آشکار و پنهان هر دو را اجتناب کنید.**

از این اصل دو روش تربیتی استخراج میشود: روش اعطای بینش- روش دعوت به ایمان.

# روش اعطای بینش و روش دعوت به ایمان

## 1- روش اعطای بینش:

در این روش تلقی فرد از امور دگرگون میشود. زیرا نوع تلقی افراد و نحوه ارزیابی آنها از امور، در نوع رفتار و اعمال تاثیر دارد. بینش یا بصیرت نوعی آگاهی عمیق و گسترده است.

قد جاء کم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فاعلیها....

انواع بینش:

بینش در مورد نظام هستی- در مورد حقیقت انسان- در مورد دنیا- در مورد تاریخ- در مورد مرگ و پس از مرگ/

2- روش دعوت به ایمان . ایمان به معنای باور و اعتقادی است که بطور عمیق در وجود انسان رسوخ می یابد.

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## مبنای سوم: ظهور تدریجی شاکله

شاکله چیست؟ در قرآن آمده است که کل يعمل علی شاکلته : هر یک بر شاکله خود عمل می کند. اعمال و رفتارها (ظاهر) و افکار و نیتها (باطن) در تاثیر و تاثیر پیوسته و مستمر خود حاصلی به بار می آورد که بتدریج در اعماق درون نشست می کند و با رسوب بیشتر سخت و دیر پا میشود. شاکله لایه زیرین در باطن انسان است که بتدریج به یک جسم سخت تبدیل شده است. علمای اخلاق آنرا ملکه، و روانشناسان آن را منش یا شخصیت نامگذاری کرده اند.

کلا بل ران علی قلوبهم ما کانو یکسبون: چنین نیست ، بلکه آنچه در پی کسب آن بودند، بر دلهایشان غشایی سخت زد. منظور از رین غشای مسلط و سرسخت است.  
بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته...: آری هر کس در پی کسب بدی باشد و بد کاری بر او احاطه یابد...

شاکله در عین حال که خود شکل است ( غشای سرسخت درون) مشکل ( شکل دهنده ) نیز هست یعنی به رفتار، ادراک و احساس آدمی شکل می دهد

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

-کل يعمل علی شاکله: هر کس بر مبنای شاکله خود رفتار یا عمل می کند.

-شاکله ادراک را شکل می دهد: و نزل من القران ما هو شفا و رحمه للمونین و لا یزید الظالمین الا خسارا. ( بعضی از قرآن نور می گیرند و بعضی به ظلمت و گمراهی خود می افزایند).

-شاکله احساس را تحت تاثیر قرار داده و به آن شکل می دهد: زین له سوء عمله فرآه حسنا :

افمن کان علی بینه من ربه کمن زین له سوء عمله: آیا کسیکه با بینه و دلیلی از نزد پروردگار خویش همراه است همانند کسی است که کردار زشت خود را زیبا می بیند؟

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## اصل 3 : مداومت و محافظت بر عمل

شاکله چون ظهور تدریجی دارد استمرار در بوجود آمدن آن نقش مهمی دارد. دو ویژگی مهم شاکله یک استواری و پایداری آن و دوم احاطه آن بر فکر، احساس، نیت و اراده و اعمال و رفتار آدمیست.

از آنجاکه در جریان تربیت در پی آن هستیم که شاکله ی مطلوب در درون فرد ایجاد و پایدار شود از اینرو **اصل مداومت و محافظت** بر عمل مهم است. مداومت ناظر به کمیت و محافظت ناظر به کیفیت عمل است. مداومت استمرار عمل را نشان می دهد و محافظت بر عمل، مراقبت و مراعات شرایط و ضوابط آن را یادآور میشود. مداومت و محافظت در کنار هم تامین کننده تاثیر و تاثر مستمر ظاهر و باطن است. مداومت بدون محافظت سازنده عادات سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت اصلا سازنده نیست چون عمل بدون مداومت بزودی زایل شده و از بین می رود.

الا المصلین الذین هم علی صلاتهم دائمون .... والذین هم علی صلاتهم یحافظون. (معارج 23-34).

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## روشهای تربیتی: روش فریضه سازی- روش محاسبه نفس

1- روش فریضه سازی: فریضه یعنی حکمی که انجام آن واجب است و به هیچ وجه تعطیل بردار نیست. فریضه سازی در تربیت تضمین کننده مداومت و محافظت است زیرا امری است که به هر حال انجام باید شود (مداومت) و پذیرفتن آن منوط به فراهم آوردن شرایطی است که صحت انجام آن را تایید کند (محافظت). روش فریضه سازی بارها در قرآن بیان شده است: سوره انزالناها و فرضناها...

یاکم و تسویف العمل ، بادروا به اذا امکنکم.

نباید چیزی به انجام فرایض آسیب بزند حتی اعمال مستحبی از قبیل نافله:  
اذا اضرت النوافل بالفریضه فارضوها

و لیس فی البرق الخاطف مستمع لمن یخوض فی الظلمه

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

2- روش محاسبه نفس: محاسبه نفس عبارت است از ارزیابی اعمال و نیت های پنهان در اعمالی که فرد انجام می دهد.

در محاسبه نفس دو ملاک باید رعایت شود تا مداومت و محافظت بر عمل را تضمین کن: یکی اینکه اعمال مبتنی بر تقوا و انگیزه تقرب به خدا باشد. در این ملاک حسن عمل مورد نظر است نه کثرت و زیادی آن: لیبلو کم ایکم احسن عملا. در تفسیر این آیه امام صادق میفرمایند منظور بیشتر عمل کردن نیست بلکه مراد آنست که چه کسی بهتر عمل می کند. چه عمل نیک خود زیاد است: لا یقل عمل مع التقوی: عمل با تقوا کم نیست. ملاک دوم، دوام عمل و نیل آن به غایت است. ملاک العمل خواتیمه. در این دو ملاک بر حسن و دوام عمل تکیه شده و کثرت آن مورد نظر نیست.

در نظام تربیتی اسلام بکار بستن شیوه محاسبه نفس مکررا توصیه شده است: ولتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون



# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## مبنای چهارم : تاثیر شرایط بر انسان

آدمی به سبب اینکه دارای دو جنبه روحی و جسمی است و این دو با هم در ارتباط و اتحاد هستند، در وضعیت های مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی تحت تاثیر قرار میگیرد. **زمانهای** مختلف آثار و تاثیرات متفاوتی بر انسان دارد: سپیده صبح پر نفس و پر از انرژی است: والصبح اذا تنفس (تکویر، 18) و غروب وقت مناسبی برای فهم خسران و زیان است: والعصر ان الانسان لفي خسر (العصر، 1-2). این دو زمان تاثیرات متفاوتی بر انسان دارند. شب با ژرفایی که دارد به سکوت، تنهایی، توجه و جمعیت خاطر میدان می دهد: ان ناشئه الیل هی اشد وطا و اقوم قیلا (مزل 6).

علاوه بر این گاه در زمان های معینی واقعه هایی رخ می دهد که رنگ و بوی ویژه ای در آن برهه زمانی حاصل میشود: انا انزلناهم فی لیله القدر.

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

وضعیت های مختلف **مکانی** نیز اثرات متفاوتی دارند. دشت سخاوت در جان آدمی می دمدم و کوه صلابت. غنا و نعمت، وسوسه طغیان در دل می ریزد: لو بسط الله الرزق لعباده لبغو فی الارض (شوری 27) و فقر تنگدستی وسوسه کفران: و لئن اذقنا الانسان منا رحمه ثم نزعنا ها منه انه لیوس کفور (هود 9).

شرایط **مختلف اجتماعی** به دلیل اینکه انسان دارای هویت جمعی است و موجودی اجتماعی است تاثیرات متفاوتی دارد: در حدیث آمده است که به هوش باشید با چه جمعی هستید که اگر در این حال اجل شما را دریابد در قیامت با همان جمع محشور خواهید شد.. تشبه به کفار حرام است زیرا انسان را به ورطه کفر می اندازد. (تاثیر انسان از اجتماع).

## اصل 4: اصلاح شرایط

با توجه به تاثیر شرایط مختلف زمانی، مکانی، و اجتماعی بر انسان یک اصل تربیتی مهم که می تواند بعنوان راهنما و چهارچوب عمل تربیتی بکار آید اصل اصلاح شرایط است. ریشه بسیار از افکار، نیات و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جستجو کرد.

# مبنای، اصول و روشهای تربیتی

بر مبنای این اصل برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب و زدودن حالات و رفتارهای نامطلوب در انسان، باید باید شرایط محیطی او را اصلاح و دستکاری کرد. تغییر در شرایط محیطی مبادا تغییر بسیاری از حالات و رفتارهای آدمیست. بجای تغییر در خود فرد گاه باید تغییر در محیط و شرایط محیطی ایجاد کنیم.

نمونه ای از تغییر شرایط در داستان حضرت موسی و برخورد وی با سامری است که در غیبت موسی گوساله پرستی را رواج داد. از میان ما بیرون شو ... اکنون بنگر این خدایی را که به پرستش و خدمتش ایستاده ای چگونه طعمه آتش می کنیم و خاکسترش را به دریا می دهیم. موسی دست به تغییر موقعیت می زند تا اندیشه شرک در میان مردم را مهار بزند.

روشهای تربیتی:

1- روش زمینه سازی 2- روش تغییر موقعیت 3- روش اسوه سازی

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## 1- روش زمینه سازی

انتخاب و تنظیم زمینه ها و شرایط، عامل تسهیل کننده ای است برای شکل گیری و شکل دهی رفتارهای مطلوب در انسانها. در این روش تربیتی به امکانات بالقوه نظر داریم. طبق این روش باید از قبل شرایط تسهیل کننده شکل گیری حالات و رفتارهای مطلوب و از بین رفتن رفتارهای نامطلوب را به نحو مقتضی دگرگون و تغییر داد.

زمینه سازی دو شکل دارد: یکی فراهم آوردن شرایط اولیه ای که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا میبرد. و دیگری جلوگیری از شرایط اولیه ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می دهد. هر دو وجه زمینه سازی در قرآن و روایات مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه ایجاد شرایط مطلوب توصیه هایی است که در مورد انتخاب همسر و مراقبتهای لازم برای داشتن فرزندان سالم و صالح شده است (زمینه سازی برای حالات مطلوب. مراجعه به صفحه 136 کتاب). در وجه دوم زمینه سازی یعنی ایجاد شرایط پیشگیری نیز در قرآن آمده است: اطفال نابالغ برای داخل شدن به اتاق والدین باید در سه وقت اجازه بگیرند: قبل از نماز صبح، بعد از ظهر و پس از نماز عشا.

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

خداوند برای اینکه اندیشه شرک در کسی بوجود نیاید (زمینه سازی وجه دوم یعنی پیشگیری) در سوره مائده آیه 110 خطاب به حضرت عیسی میفرماید: و هنگامی که **به امر من** از گل مرغی ساخته و در آن دمیدی تا **به امر من** مرغی گردید و آنگاه که کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پیس را **به امر من** شفا دادی و مردگان را **به امر من** از قبر بیرون آوردی... در هر یک از موارد چهارگانه فوق تعبیر باذنی یعنی به امر من آمده است تا هم خود عیسی و هم دیگران بر اعتقاد به ربوبیت خدا استوار بمانند و لغزشی بوجود نیاید.

## 2- روش تغییر موقعیت

تفاوت این روش با روش زمینه سازی در آنست که زمینه سازی، مبتنی بر امکانات بالقوه در شرایط مختلف است، ام در روش تغییر موقعیت جنبه بالفعل موقعیت ها و تاثیر آفرینی آنها مورد نظر است. این روش نیز در تربیت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. عن ابی جعفر (ع) قال: کان ابی اذا کانت له الی الله حاجه طلبها فی هذه الساعه یعنی زوال الشمس: امام باقر فرمود: شیوه پدرم این بود که هرگاه حاجتی به درگاه خدا داشت در این ساعت مخصوص یعنی هنگام زوال خورشید به دعا می پرداخت.

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

بالاسحار هم یستغفرون (ذاریات، 18). شب قدر در اسلام ارزش ویژه ای دارد چون در این شب نزول قرآن و هنگام نزول ملائکه بوده است.

هر نقطه ای از هستی رنگ و بوی ویژه‌ای دارد و انس با هر موقعیتی حال و هوای معینی در انسان پدید می‌آورد. سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق. بزودی آیات خود را در آفاق و انفس آنان نشان خواهیم داد تا بر ایشان آشکار شود که او حق است.

در مورد تغییر شرایط اجتماعی نیز توصیه‌هایی شده است از جمله حدیثی از امام صادق: به دیدار هم بروید تا دلهایتان نشاط گیرد و آنگاه سخنان و احادیث ما را یاد کنید.....

سزاوار نیست که مومن در مجلسی بنشیند که نافرمانی خدا می‌کنند و او نمیتواند مانع شود (موقعیت خود را تغییر دهید و از چنین مجالسی بیرون آید).

# مبانی، اصول و روشهای تربیتی

## 3- روش اسوه سازی

اسوه حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می کند: لقد کان لکم فی رسول اللہ اسوه حسنه (احزاب 21)

قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه (ممتحنه 4)

و ایوب اذ نادى ربه انى مسنى الضر و انت ارحم الراحمين : و یاد کن ایوب را وقتی دعا کرد ای پروردگار، بیماری سختی بمن رسیده است و تو از همه مهربان تری. در این آیه نحوه سخن گفتن ایوب با خدا و ادب وی مطرح و اسوه شده است. نگفت خدایا مرا شفا بده بلکه از خدا اینطور شفای خود را مسألت کرد که : انت ارحم الراحمين. تو رحیم ترین هستی . این یک اسوه حسنه است که خداوند آن را در معرض دید و آگاهی همگان قرار می دهد.

نمونه دیگر ادب سوال کردن در مورد حضرت یونس است: سبحانک انى کنت من الظالمين فاستجبنا له و نجیناه من الغم ..(انبیا 88). اینکه خدا می فرماید او را اجابت کردیم قرینه ای است بر آنکه یونس تقاضایی داشت اما به سبب حیا بر زبان نمی آورد.